

## بررسی و نقد کتاب شهرهای ساسانی از منظر تاریخ و باستان‌شناسی

میثم لباف خانیکی\*

### چکیده

شهر به‌مثابه شکل تعین‌یافته روابط اجتماعی و مناسبات انسانی از جایگاه ویژه‌ای در تاریخ و باستان‌شناسی برخوردار است. این اهمیت به‌اندازه‌ای است که تأسیس نخستین شهرها و تشکیل اولین نهادهای شهری نقطه‌عطفی در فرایند تحول و تطور جوامع انسانی تلقی می‌شود. شهرهای ساسانی که شکل تکامل‌یافته شهر و شهرنشینی را در آخرین سده‌های دوران باستان به‌نمایش می‌گذارند، در کتابی با عنوان *شهرهای ساسانی* مورد‌بحث و بررسی واقع شده‌اند. این کتاب به قلم رضا مهرآفرین است و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها در سال ۱۳۹۳ آن را منتشر کرده است. اگرچه کتاب یادشده مجموعه اطلاعات ارزشمندی درباره برخی از شهرهای شناخته‌شده ساسانی را شامل می‌شود، همانند هر اثر علمی دیگری شامل کاستی‌هایی است که در مقاله پیش‌رو آورده می‌شود. در نگاهی کلی، نقاط ضعف اثر یادشده را می‌توان در بهره‌نگرفتن جامع از منابع و پاره‌ای ایرادهای محتوایی خلاصه کرد.

**کلیدواژه‌ها:** شهر، شهرسازی، دوره ساسانی، نقد کتاب.

### ۱. مقدمه

«شهر»، «شهرسازی»، «شهرنشینی»، و «شهروندی» مقولاتی هم‌بسته‌اند که در حوزه رشته‌ها و گرایش‌های علمی گوناگونی نظیر جغرافیا، معماری، شهرسازی، جامعه‌شناسی، علوم اقتصادی، علوم سیاسی، تاریخ، و باستان‌شناسی مورد‌بحث واقع می‌شوند. شمول گسترده

\* استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران، labbaf@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۰۸

این مباحث نشئت گرفته از پیچیدگی و جامعیت پدیده شهر است. شهر نه فقط پدیده‌ای عینی و ملموس است، بلکه مفهومی انتزاعی است که موجودیت خویش را از اندیشه‌های بشری دریافت کرده است و شبکه گسترده‌ای از مناسبات انسانی را سامان داده است. آنچه یک سکونت‌گاه را «شهر» می‌کند علاوه بر وسعت مکانی، جمعیت متمرکز، مسکن متراکم، و معابر درهم‌بافته پدیده‌های ناملموسی را شامل می‌شود که در نتیجه کنش سازمان‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی تکوین یافته‌اند. از این رو، برای مطالعه شهر در یک دوره تاریخی لازم است که در وهله اول جریان‌های تاریخی تأثیرگذار در مفهوم و کارکرد شهر شناسایی شود و سپس، با تکیه بر این شناخت مظاهر مادی شهر موردتوصیف و تحلیل قرار گیرد.

«شهرهای باستانی» موضوعی است که در یک سده اخیر و هم‌زمان با توجه اندیشمندان به مراحل تطور و تکامل تاریخی جوامع بشری اهمیت زیادی پیدا کرده است. شناسایی سکونت‌گاه‌های گسترده در فلات ایران، بین‌النهرین، مصر، و دره سند که محله‌های متعدد و بناهای عظیمی چون معابد و کاخ‌ها را در خود جای می‌دادند و از زیرساخت‌های خدماتی وسیعی چون سیستم‌های آبرسانی و شبکه راه‌ها بهره می‌بردند، سبب شد که تأسیس شهرها به مثابه نقطه عطفی در تاریخ تحولات اجتماعی بشر دانسته شود و آغاز شهرنشینی مرحله جدیدی در تکامل جوامع انسانی و نظام‌های معیشتی تلقی گردد. تاجایی که گوردن چایلد، باستان‌شناس شهیر قرن بیستم، ایجاد شهرها را نشانه‌ای از وقوع «انقلاب شهرنشینی» در فرایند تحول جوامع بشری معرفی کرد (چایلد ۲۵۳۷: ۱۹۰-۲۳۹).

اما از هزاره چهارم پیش از میلاد که نخستین شهرها پدید آمدند تا قرن سوم میلادی که ساسانیان قدرت را به دست گرفتند، فرصت فراخی مهیا شد تا ارکان و نهادهای شهری رشد کنند و تکامل یابند. هم‌زمان با قدرت‌گیری ساسانیان «شهر» چنان جایگاهی در عرصه قدرت سیاسی و اجتماعی یافته بود که مؤسس آن سلسله، اردشیر بابکان، در هر سرزمینی که فتح می‌کرد شهری بنیان می‌نهاد (هدایت ۱۳۴۲: ۱۸۲-۱۸۳، ۱۸۴، ۲۰۲؛ طبری ۱۳۶۲: ۵۸۴-۵۸۵). اقدام اردشیر به شهرسازی به سنتی در گفتمان سیاسی ساسانیان تبدیل شد و اخلاف او از شهر به مثابه ابزاری برای ابراز و اظهار قدرت خویش بهره گرفتند (بنگرید به حاکم نیشابوری ۱۳۷۵: ۱۹۸؛ *مجمل‌التواریخ و القصص* ۱۳۷۹: ۶۴؛ ثعالبی مرغنی ۱۳۶۸: ۳۳۸؛ ابن‌بلخی ۱۳۷۴: ۱۹۵-۱۹۶).

بالندگی بنیان‌های شهر در دوره ساسانی به معنای افزایش پیچیدگی آن‌ها بود. به عبارت دیگر، در دوره ساسانی عناصر و عوامل موجد شهر به حد بالایی از تکثر و تنوع

رسید و روابط پیچیده‌ای که میان آن‌ها برقرار بود، شکل و ماهیت شهرها را وارد دوره جدیدی کرد. شهر در دوره ساسانی نه فقط مکانی برای زیست و استقرار جامعه انسانی، بلکه محلی بود برای فعالیت تشکیلات اداری، مذهبی، نظامی، و اقتصادی. هریک از این دستگاه‌ها دارای شبکه پیچیده‌ای از نیروهای انسانی و سلسله‌مراتب سازمانی بودند که در عرصه شهر به تکاپو مشغول بودند. در واقع، شهرهای ساسانی در نتیجه تعامل عناصر مختلف سازمان‌های حکومتی با افراد جامعه معنا می‌یافت. از این رو، شناخت شهرهای ساسانی در ابتدا نیازمند شناخت روابطی است که به پدیداری و حیات شهرهای آن دوره منجر شده بود.

## ۲. معرفی کتاب شهرهای ساسانی

رضا مهرآفرین در کتاب شهرهای ساسانی به معرفی و تحلیل ابعادی از شهر و شهرنشینی در دوره ساسانی همت گماشته است. این کتاب را در ۱۹۹ صفحه متن به‌علاوه هفت صفحه عکس رنگی در سال ۱۳۹۳ سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) و مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی به زیور طبع آراست. این اثر در هفت فصل مجزا سامان یافته است و در پایان، دارای «نمایه» (فهرست اعلام) است.

در فصل اول با عنوان «تاریخ سیاسی و اجتماعی ساسانیان» مباحثی کلی از تاریخ و جامعه ساسانی مطرح شده است. این فصل با مرور تاریخ اوایل عصر ساسانی و فرایند قدرت‌یابی اردشیر آغاز شده است و با اشاراتی کوتاه به اتفاق‌های مهم در زمان برخی پادشاهان ساسانی ادامه می‌یابد. در صفحات ۱۲ و ۱۳ کتاب خلاصه‌ای از «مهم‌ترین عوامل فروپاشی دین و دولت ساسانی» فهرست‌وار ذکر شده است. در بخش دیگری از فصل اول کتاب «پهنه جغرافیایی حکومت ساسانی» بررسی شده است و سعی گردیده با استناد به کتیبه شاپور در نقش‌رستم و آرای صاحب‌نظران، در کم‌تر از دو صفحه، اطلاعات فشرده‌ای از محدوده جغرافیایی قلمرو ساسانیان بیان شود. نویسنده بخش بعدی فصل اول را به «آرایش اجتماعی ساسانیان» اختصاص داده است و طبقات چهارگانه جامعه ساسانی را تشریح کرده است. علاوه بر طبقات اجتماعی، تقسیمات دربار ساسانی، و خاندان‌های صاحب‌قدرت در آن دوره نیز در این بخش مورد توجه قرار گرفته است. در واپسین بخش فصل اول با عنوان «مذاهب و جنبش‌های دینی عصر ساسانی» تاریخ فراز و فرود دین زرتشتی در دوره ساسانی مرور شده است و نهضت‌های دینی و اجتماعی مانی و مزدک با تأکید بیشتری تشریح شده است.

فصل دوم با عنوان «جغرافیای تاریخی شهرهای ساسانی» حاصل تلاش نویسنده کتاب در گردآوری گزاره‌های تاریخی راجع به شهرهای ساسانی است. بدین ترتیب، مطالب این فصل در چهار بخش با عناوین «شهرهای احدائی اردشیر بابکان»، «شهرهای احدائی شاپور اول»، «شهرهای احدائی از زمان هرمز اول تا پیروز»، و «شهرهای احدائی از زمان پیروز تا پایان شاهنشاهی ساسانی» سامان داده شده است و بخش پایانی فصل دوم با عنوان «دیگر شهرها و بناها» به آثاری اختصاص داده شده که افرادی غیر از پادشاهان ساسانی احداث کرده‌اند. مبنای تألیف این فصل را اقوال متقدمانی تشکیل می‌دهد که توصیفات از شهرهای پیش از اسلام یا بنیان آن شهرها در کتب خویش آورده‌اند. به مناسبت مطالب جدول‌هایی نیز در متن فصل دوم درج شده است که خلاصه‌ای از اشارات متون تاریخی را به شهرهای ساسانی ارائه می‌دهد. به استثنای رساله پهلوی «شهرستان‌های ایران» مراجع و مآخذ دست‌اول مورداستناد در این فصل کتاب را تواریخ و تذکره‌های جغرافیایی تشکیل می‌دهد که تاریخ‌نگاران و جغرافیانویسان مسلمان تألیف و تصنیف کرده‌اند.

در فصل سوم کتاب با عنوان «شهر و ریخت‌شناسی آن در دوره ساسانی» زمینه‌ای برای ورود به بحث اصلی کتاب فراهم آمده است. با این رویکرد، نویسنده در این فصل کوشیده تا ابتدا، مفهوم شهر را با استناد به اساطیر و اعتقادات ساسانیان بکاود و با بهره‌گیری از آرای صاحب‌نظران این حوزه نظیر وبر و راپپورت به تفهیم ماهیت شهر بپردازد. بخش عمده فصل سوم کتاب را بحثی پیرامون «عوامل مؤثر در شکل‌گیری شهرها» تشکیل می‌دهد که در آن نقش عوامل دفاعی - نظامی، مذهب و باورهای اعتقادی، عوامل سیاسی - اداری، تجارت و بازرگانی، و موقعیت مناسب جغرافیایی و اقلیمی بر شکل‌گیری شهر تشریح شده است. نویسنده با رویکردی تاریخی نقش هر یک از عوامل مزبور را بر شکل‌گیری شهرهایی از ادوار مختلف تاریخی موردبررسی قرار داده است. در بخش دیگری از فصل سوم با عنوان «ساختار کالبدی شهر» بخش‌های اصلی تشکیل‌دهنده شهرهای ساسانی شامل خندق، برج و بارو، حصار، دروازه‌ها، خیابان‌ها، دژ حکومتی، شار میانی، شار بیرونی، و بازار موردبحث قرار گرفته است و مصادیقی از شهرهای دوره ساسانی ذکر شده است. در ادامه، ذیل عنوان «تأسیسات درون‌شهری» توضیح مختصری درباره جایگاه کاخ و معبد در شهرهای ساسانی درج شده است. در آخرین بخش فصل سوم بر پایه «تئوری عملکردی» شکل شهرهای ساسانی بررسی شده است و با ذکر مثال‌هایی شهرهای ساسانی در سه گروه شهرهای مدور، شهرهای مستطیلی، و شهرهای نامنظم تقسیم‌بندی شده‌اند. نویسنده شکل

هندسی شهرها را مرتبط با عملکرد هر کدام دانسته است و تعابیر کیهانی را در طراحی شهرهایی مثل شهر گور بی تأثیر ندانسته است.

فصل چهارم به توصیف و تشریح «شهرهای مدور» دوره ساسانی اختصاص یافته است. در این فصل، شهرهای داراب‌گرد، اردشیرخوره، تخت‌سلیمان، و مرو توصیف شده‌اند. در این فصل، بناهای شاخص شهرهای مزبور نیز توصیف شده است و کاخ‌ها و معابدی که در محوطه‌های اردشیرخوره و تخت‌سلیمان واقع شدند نیز مورد توجه قرار گرفته است. در اثنای توصیف محوطه‌های یادشده نقشه‌هایی که گویای شکل کلی این سکونت‌گاه‌ها هستند نیز گنجانده شده است.

فصل پنجم حاوی توصیفات «شهرهای مستطیل‌شکل (هیپودام)» ساسانی است. به‌زعم نویسنده، احداث شهرهای مستطیل‌شکل از قبل از دوره ساسانی در ایران مرسوم بوده است و شهرهای بیشاپور، جندی‌شاپور، ایوان کرخه، سیراف، نیشابور، و رومیه نمونه‌هایی از این نوع شهرها به‌شمار می‌روند که در دوره ساسانی ساخته شدند. در این فصل، شهرهای یادشده توصیف شده است و به جست‌وجوی نام و نشان آن‌ها در متون تاریخی پرداخته شده است. در توصیف بیشاپور با استناد به نتایج کاوش‌های باستان‌شناسی ساختار شهر و عناصر کالبدی آن تشریح و بناهای شاخص آن شهر توصیف شده است. فقدان کاوش‌های گسترده باستان‌شناسی در محوطه جندی‌شاپور امکان توصیف آثار معماری این شهر و تحلیل باستان‌شناختی جندی‌شاپور را سلب کرده است و نگارنده به ذکر توصیفات و تعاریف مندرج در متون اکتفا کرده است. در توصیف سیراف توجه بیشتری به مطالعات میدانی و کاوش‌های باستان‌شناسی شده است و گذشته از مختصری درباره جغرافیای تاریخی این شهر به نتایج فعالیت باستان‌شناسان توجه شده است. در پایان این فصل به ذکر توصیفات تاریخی از نیشابور اکتفا شده است.

فصل ششم با عنوان «شهرهای بدون شکل منظم (نامنظم)» حاوی مجموعه متنوعی از محوطه‌های ساسانی است. آنچه سبب شکل هندسی نامنظم این شهرها شده، به‌باور نویسنده تابع اوضاع و احوال جغرافیایی محل بوده است. علت دیگری که نویسنده برای نامنظم‌بودن شکل شهرهای ساسانی یاد کرده است، نداشتن طراحی و نقشه قبلی برای شهرهایی بوده است که بدون هیچ‌گونه تناسبی گسترش یافته‌اند و چه‌بسا بر بنیاد روستاهای پیشین شکل گرفته‌اند. در این فصل، شهرهای استخر، رام‌شهرستان، تیسفون، و قصر شیرین به‌منزله مصادیق شهرهای نامنظم عصر ساسانی تلقی شده‌اند و مورد بحث قرار گرفته‌اند. مبحث مربوط به هریک از محوطه‌های یادشده با پیشینه تاریخی شروع شده است و به

توصیف آثار و شواهد معماری و باستان‌شناختی می‌انجامد. در مبحث «تیسفون» مطلب از شرح تیسفون فراتر رفته و شهرهای سلوکیه، ولاش‌آباد، وهاردشیر، درزیدان، رومیه، و اسپانبر نیز که مجموعاً مداین را تشکیل می‌دادند، بررسی شده‌اند. بخش عمده توصیفات مربوط به مداین برگرفته از متون تاریخی است و مختصری درباره ویژگی‌های معماری کاخ کسری درج شده است. مطالب مربوط به قصر شیرین نیز مشتمل است بر ذکر قصر شیرین در متون تاریخی و توصیفات معماری عمارت خسرو و چهارقاپی. در انتهای این فصل، شرح نسبتاً دقیق و مفصلی از رام‌شهرستان نگاشته شده است. گرچه کاوش باستان‌شناسی‌ای در این محوطه صورت نگرفته است، نگارنده کوشیده است بامراجعه به منابع تاریخی و بررسی میدانی این شهر را منطبق بر محوطه‌ای در سیستان معرفی کند که به تپه‌شهرستان معروف است.

آخرین فصل کتاب مطالب فصل‌های پیشین را جمع‌بندی کرده است. این فصل با رویکرد تاریخی ساسانیان به مقوله شهر آغاز می‌شود و نگاهی گذرا به کارنامه شهرسازی پادشاهان ساسانی می‌افکند. آنچه در فصل‌های آغازین کتاب با عنوان مفهوم شهر، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شهر، و شکل شهرهای ساسانی آمده بود در این فصل به‌اختصار مورد اشاره قرار گرفته است. در نهایت، نویسنده تأکید کرده است که ره‌یافت تاریخی در بازسازی سیمای برخی شهرهای ساسانی مفید است و چنین نتیجه می‌گیرد که ساسانیان در احداث شهرها به ساختارهای اجتماعی و سیاسی زمانه خویش توجه داشته‌اند.

### ۳. نقد کتاب شهرهای ساسانی

کتاب شهرهای ساسانی مجموعه اطلاعات جامع و سودمندی را در مورد شهرسازی و معماری عصر ساسانی ارائه می‌دهد. با وجود این، نکات قابل‌نقدی در صورت و محتوای این کتاب به چشم می‌خورد که اصلاح آن‌ها در چاپ‌های آتی بر کیفیت این اثر خواهد افزود. به ترتیب مطالب مندرج در کتاب مواردی را که در طراحی جلد نادیده گرفته شده است از نظر گذراننده خواهد شد و سپس متن کتاب بررسی می‌شود.

روی جلد کتاب مزین است به تصویر هوایی شهر گور (فیروزآباد) که با عنوان کتاب قرابت مفهومی دارد، ولی متأسفانه از خالق این تصویر، یعنی جورج گریستر عکاس سوئیس، و نیز از طراح جلد نامی برده نشده است. قطع کتاب در قالب معمول کتاب‌های سمت مناسب انتخاب شده است و چاپ عکس‌های رنگی در انتهای کتاب بر کیفیت اثر

افزوده است. صفحه‌آرایی، حروف‌چینی، و انتخاب فونت عناوین و مطالب ساده و گویاست و به‌استثنای مواردی معدود، اغلاط املایی چندانی در متن مشاهده نمی‌شود. هم‌چنین، نگارش سلیس و ادبیات روان متن و استفاده‌نکردن از واژه‌های نامأنوس متنی قابل‌فهم و رسا را در اختیار مخاطب گذارده است. جمله‌ها و عبارات انگشت‌شماری در متن کتاب مشاهده می‌شوند که ویرایش نشده‌اند. خطاهای معدود در متن کتاب می‌توانست با بهره‌گیری از دقت و دانش یک ویراستار مرتفع شود.

جدول‌های مندرج در فصل دوم (جغرافیای تاریخی) خلاصه‌سودمندی از اشارات متون تاریخی به شهرهای ساسانی ارائه می‌دهد. نقشه‌هایی که در لابه‌لای متن کتاب آمده است و تصاویر رنگی انتهای کتاب نیز در تفهیم مطلب کمک می‌کند. باوجوداین، بهتر بود که تصاویر رنگی نیز به فراخور مطالب در صفحات میانی کتاب گنجانده می‌شد و ارتباط میان آن‌ها با بندها و عبارات کتاب با ذکر شماره‌ای برای هر عکس مشخص می‌گردید.

اگرچه اثر فاقد مقدمه است، در فصل سوم سعی شده مقدمه‌ای برای ورود به بحث اصلی کتاب، یعنی «شهرهای ساسانی» تدارک دیده شود. شناخت شهرهای ساسانی بدون مطالعه تاریخ پرفراز و نشیب چهارصدساله آن عصر امکان‌پذیر نیست. مؤلف کتاب، به‌درستی، فصلی را به این مقوله اختصاص داده است و رئوس تاریخ سیاسی و اجتماعی ساسانیان را ذکر کرده است. اگرچه فصل اول اطلاعات مختصر و مفیدی راجع به تاریخ ساسانیان از تکوین تا فروپاشی ارائه می‌دهد، حول محور اصلی کتاب، یعنی شهرهای ساسانی نمی‌چرخد. بهتر بود تاریخ ساسانی با تکیه بر وقایع تاریخی تأثیرگذار در شهرهای آن دوره هم‌چون انگیزه‌های تاریخی در تأسیس، گسترش، یا ویرانی شهرها تدوین می‌یافت و بر شهرهایی که در عرصه‌های تاریخی نقشی مهم و مؤثر ایفا کرده‌اند، تأکید می‌شد. بدین ترتیب، از یک طرف فصل «تاریخ سیاسی» هدف‌مند می‌شد و از طرف دیگر، ارتباط منطقی بین فصل‌های چهارم تا ششم با تاریخ دوره ساسانی برقرار می‌گردید. توجه به فرایندهای تاریخی درباره فلسفه وجودی شهرهای ساسانی، اهمیت عوارض فرهنگی را دیگر نظیر راه‌های ارتباطی نیز روشن می‌کند و دریچه‌های جدیدی به مطالعات آتی می‌گشاید. همین کاستی در تبیین «آرایش اجتماعی ساسانیان» و «مذاهب و جنبش‌های دینی عصر ساسانی» نیز مشاهده می‌شود. هر دو عامل یادشده در هویت شهرهای ساسانی تأثیر انکارناپذیری داشته‌اند، ولی ارتباط آن‌ها با شهرهای ساسانی (ازلحاظ شکل و کارکرد) بیان نشده است.

نویسنده کتاب در فصل دوم تلاشی ستودنی در بهره‌گیری از متون تاریخی فارسی و عربی مبذول داشته است و آثار اغلب مورخان و جغرافیانگاران مسلمان را از نظر گذرانده است، ولی توجه چندانی به تذکره‌ها و تواریخ رومی که هم‌زمان با دوره ساسانی نگارش یافته‌اند، نداشته است. قطعاً نوشته‌های مورخان چون هرودیان، مارسلینوس، پروکوپئوس، و حتی پاره‌ای منابع ارمنی و سریانی نیز حاوی اطلاعاتی درباره شهرهای اشکانی و ساسانی هستند (بنگرید به پیگولوسکایا ۱۳۸۷). هم‌چنین، در مباحث نظری از آرای صاحب‌نظرانی چون پیگولوسکایا (۱۳۸۷)، لوکونین (۱۳۸۷)، برونر (۱۳۸۷)، ویتکام (Whitcomb 1985)، ونکه (۱۳۸۱)، آدامز (Adams 1965, 1981) و مورونی (Morony 1982) درباره تاریخ، ماهیت، و بافت شهرهای دوره ساسانی کم‌تر استفاده شده است. مراجعه به نظریات ایشان، ولو با رویکردی انتقادی، می‌توانست دریچه‌های جدیدی به مقوله شهر و شهرسازی در عصر ساسانی بگشاید.

فصل سوم به بعد حاوی مطالب اصلی کتاب است که مفهوم شهر و مصادیق آن را در دوره ساسانی جست‌وجو می‌کند. بخش نخست این فصل مفهوم شهر را در ایران باستان و سابقه آن در شواهد باستان‌شناختی و روایات اساطیری بررسی می‌کند. با وجود آن‌که نویسنده اذعان کرده است که تعاریف جدید ممکن است در بردارنده مفهوم شهر دوره ساسانی نباشد، از تعابیر ماکس وبر، گوردون چایلد، و راپاپورت راجع به شهر استفاده شده است. اگرچه ارتباط ضعیف تعاریف ایشان با شهرهای ساسانی اندکی بحث را منحرف می‌کند، نویسنده باز به واژه‌شناسی شهر در ایران باستان و جایگاه اداری شهر در جغرافیای سیاسی ایران ساسانی بازمی‌گردد و مطالب مفید و آموزنده‌ای درباره مبانی نظری شهرهای ایران باستان و دوره ساسانی مطرح می‌کند. نویسنده در ادامه، عوامل مؤثر در پیدایش شهرهای باستانی را ذکر کرده است و بنیان نظری عالمانه‌ای برای پیش‌برد بحث فراهم می‌آورد.

در مبحث «ساختار کالبدی شهرها» عناصر تشکیل‌دهنده شهر در دوره ساسانی با ذکر مصادیقی، به درستی و به جا تشریح شده است، ولی در بخش «تأسیسات درون‌شهری» بر «کاخ» بیش از دیگر عناصر تأکید شده است و در ساختاری ناموزون بیش از هشتاد درصد متن به تشریح کاخ‌ها اختصاص یافته است.

با وجود بحث‌های بنیادین سودمند در باب عملکرد و ساختار شهرهای ساسانی نویسنده در بخش «شکل شهرهای ساسانی» از تمامی مباحث نظری پیشین چشم‌پوشی کرده است و با استناد به نظریه لینچ «شکل هندسی» را مبنای تقسیم‌بندی شهرها قرار داده است. بدیهی است، نظریه لینچ بر مبنای شکل مشهود و بافت زنده شهرهای امروزی مطرح شده است و



قابلیت تعمیم و تسری به شهرهای ساسانی را که هنوز بافت آن‌ها به‌درستی شناسایی نشده یا در طول زمان دچار تغییر و تحول فراوان شده‌اند، ندارد. مثلاً نمی‌توان توصیف داستان‌وار و خیال‌پردازانه حمدالله مستوفی را که می‌گوید: «شوش را مانند باز و شوشتر را مثل اسب ساختند» مبنای تحلیل علمی شهر قرار داد. واقعیت آن است که هنوز بافت داخلی شهرهای ساسانی را به‌اندازه‌ای نمی‌شناسیم تا بتوانیم مباحث عملکردی موضوعه‌ی لنینچ را درباره‌ی آن‌ها جست‌وجو کنیم. بر مثال‌هایی که نویسنده به‌منزله‌ی مصادیق شکل‌های هندسی یاد کرده است ایرادهایی وارد است. برخلاف آن‌چه در کتاب شهرهای ساسانی آمده، داراب‌گرد به‌زعم حمزه اصفهانی (قرن چهارم هجری) در ادوار پیش از اسلام مثلث‌شکل بود و بعدها به‌دستور حجاج‌بن یوسف حصار مدوری بر گرد آن ساختند (حمزه اصفهانی بی‌تا: ۳۱)؛ بخش مسکونی مرو ساسانی (گبرقلعه) تقریباً مربع‌شکل بود (سیدی ۱۳۸۶: ۷۷) و فقط مقر حکومتی یا ارگ آن از حصاری دایره‌ای شکل برخوردار بود؛ محدوده‌ی محصور بیضی‌شکلی که به‌نام تخت‌سلیمان شناخته می‌شود نیز شهر نیست، بلکه مجموعه‌ای از نهادهای اداری و مذهبی را دربرمی‌گیرد (Kennedy 2006: 15). درباره‌ی تعلق پلان هیپودام بیشاپور به دوره‌ی ساسانی نیز تردیدهای جدی وجود دارد (مهریار ۱۳۷۹: ۱۰) و جندی‌شاپور در دوره‌ی اسلامی دچار تغییرات زیادی شده بود (Adams and Hansen 1968). در اظهارنظر عجیبی سیراف نیز یکی از شهرهای مستطیل و هیپودام معرفی شده است، درحالی‌که می‌دانیم صرفاً آن بخشی از سیراف که به‌منزله‌ی قلعه‌ی نظامی استفاده می‌شد، به‌صورت راست‌گوشه ساخته شده بود (Whitehouse 1972: 68-71). در مورد نیشابور نیز هیچ شاهدهی دال‌بر شکل مستطیل و هیپودام شهر در دست نیست (Labaf and Kervran 2007) و بافت استخر در دوره‌ی ساسانی هنوز به‌درستی شناسایی نشده است (Whitcomb 1979: 369). در آخرین دسته‌بندی، محوطه‌های رام‌شهرستان، تیسفون، و قصر شیرین شهرهای نامنظم معرفی شده‌اند که تأثیر شکل این شهرها در عملکردشان به‌خوبی توجیه نشده است.

فصل‌های چهارم تا ششم کتاب براساس تقسیم‌بندی‌ای که گفته شد آثار یادشده را توصیف می‌کند. در این سه فصل بیش‌تر از آن‌که شهر به‌مثابه‌ی کلیتی دربردارنده‌ی نهادهای مختلف اجتماعی، شبکه‌ای از معابر و زیرساخت‌های خدماتی، عرصه‌ی تعامل اصناف و طبقات اجتماعی، شکل تجسدیافته‌ی باورها و اعتقادات، و فضای حیات جامعه‌ی دوره‌ی ساسانی تلقی گردد آثار معماری پراکنده در محوطه‌های ساسانی توصیف شده است و درعمل، تفاوتی با شرح «معماری ساسانی» ندارد.

اطلاعات سودمندی که نویسنده در مورد محوطه‌ها و ابنیه ساسانی گردآوری کرده است، می‌توانست با مراجعه به مقالات، کتاب‌ها، و گزارش‌های باستان‌شناسی جدیدتر غنای بیش‌تری یابد. از آن‌جمله می‌توان به انتشارات ذیل در مورد مطالعات جدید شهرها و بناهای ساسانی اشاره کرد که مورد توجه نگارنده کتاب واقع نشده‌اند: توصیفاتی که دیتریش هوف از یافته‌های اخیرش در اردشیرخوره داشته است (Huff 2008: 48-49)، کاوش‌های اخیر هیئت‌های باستان‌شناسی انگلیس و ترکمنستان در گبرقلعه مرو (Herrmann et al. 1998)، یافته‌های دهه اخیر ناصر نوروززاده چگینی در بیشاپور (نوروززاده چگینی ۱۳۸۵)، و نگاه جدید محمد مهریار به بافت این شهر (مهریار ۱۳۷۹)، کاوش‌های گسترده هیئت مشترک ایران و فرانسه در نیشابور (Labaf and Kervran 2007) که برخلاف ادعاهای پیشین به شناسایی آثار ساسانی در کهندژ نیشابور منجر شد (لباف خانیکی و لباف خانیکی ۱۳۹۱)، یافته‌های اخیر باستان‌شناسان ایرانی و ایتالیایی (Fontana et al. 2012) و مطالعات احمدعلی اسدی در استخر (اسدی ۱۳۸۴) آثار ساسانی و اشکانی که اریک اشمیت (Schmidt 1939: 119-121) و لیونل بیر (Bier 1983) از کاوش و بررسی محوطه استخر گزارش کرده‌اند و کاوش‌های گسترده ایتالیایی‌ها در تیسفون (Cavallero 1966, 1967; Gullini and Invernizzi 1966, 1967, 1968-69, 1970-71, 1973-74, 1977). علاوه بر این، معیار روشنی از گزینش محوطه‌های شرح داده شده در کتاب متصور نیست. اگر تخت سلیمان و قصر شیرین بقایایی از شهرهای دوره ساسانی تلقی شده‌اند، چرا محوطه‌های مهم دیگری چون قصر ابونصر، بندیان، حصار، چال طرخان، شوش، کیش و حاجی‌آباد بررسی نشده است. از این رو، اثر جامعیت قابل توجهی ندارد. با این حال، مجموعه مطالب ارزشمندی در این کتاب گردآوری شده است که شناختی کلی و گذرا از محوطه‌های ساسانی پیش روی دانشجویان قرار می‌دهد.

یکی از خلأهای چشم‌گیر این کتاب درج نکردن نقشه‌ای از پراکندگی شهرهای ساسانی در گستره قلمرو ساسانیان است. فقدان این نقشه هم در فصل دوم (جغرافیای تاریخی شهرهای ساسانی) و هم در فصل‌های چهارم تا ششم (آثار باستان‌شناختی شهرهای ساسانی) احساس می‌شود. اگرچه موقعیت مکانی بسیاری از شهرهای یادشده در متون تاریخی دانسته نیست، نقشه‌های متعددی که منتشر شده است حاوی آرای صاحب‌نظران درباره این موضوع است (بنگرید به برونر ۱۳۸۷: ۱۵۲). کمالین که، نویسنده می‌توانست با ارائه نقشه‌ای جدید طرحی نو در این باب دراندازد. با وجود ابهام در مورد موقعیت شهرهای

یادشده در متون تاریخی، موقعیت تمامی محوطه‌های باستانی مربوط به دوره ساسانی مشخص است و انتظار می‌رود نقشه دقیق از پراکندگی آن محوطه‌ها تهیه شود. نویسنده در فصل هفتم با عنوان «جمع‌بندی» نتایج را نیز ارائه کرده است. پیرو آن‌چه در بند اول صفحه ۱۹۸ کتاب آمده که «برخی از شهرهای ساسانی دارای شکل خاصی دارند [هستند] که این امر برگرفته از اهداف عملکردی، مذهبی، و فرهنگی خاص آن دوره است که بنابه فرمان شاه شکل آن مشخص می‌شد»، و نیز برپایه آن‌چه در فصل‌های اول تا سوم کتاب درج شده، انتظار می‌رفت تأثیر این اهداف بر شکل‌های هندسی شهرها تشریح شود تا مدعای نویسنده در این باب اثبات گردد.

#### ۴. نتیجه‌گیری

دوره ساسانی اگرچه نامی است که یک بازه تاریخی را می‌شناساند، نباید فراموش کرد که بیش از چهارصدسال به طول انجامیده است. طی این چهارصدسال، تمامی نهادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی در تطور دائم به سر می‌بردند. گاه مصلحت‌جویی سیاسی و گاه مسائل داخلی سبب تغییر خط‌مشی و حتی جهان‌بینی هیئت حاکمه می‌شد. کیفیت روابط ساسانیان با همسایگان شرق و غرب نیز، چه دوستانه بود و چه خصمانه، الگویی متغیر برای تصمیم‌گیری فرمان‌روایان ترسیم می‌کرد. هم‌چنین، رویکردهای دینی حکومت به سازمان‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی نقش دین و ساختارهای دینی را در تعریف، تکوین، و تحول شهرهای ساسانی مؤثر می‌کرد. حتی وضعیت جغرافیایی و بلایای طبیعی نیز در کنش سیاسی و اجتماعی ساسانیان تأثیر می‌گذاشت. شهرها عرصه تجلی تمامی فرایندهای یادشده بودند و تحول و تطور آن‌ها پی‌آمدی بود از رویدادهای طبیعی و فرهنگی که در هر مقطع از تاریخ دوره ساسانی تغییر می‌کرد. در واقع، راز دیرپایی حکومت ساسانیان قدرت سازواری ایشان با وضعیت زمانه بود و شهرها به‌روشنی می‌توانند شواهد مادی این انطباق را در شئون مختلف نمایش دهند. سال‌ها پیش، نینا پیگولوسکایا تلاش کرد در کتاب *شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان* پشت صحنه شهرهای ساسانی و زیرساخت‌های اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی آن‌ها را بیان کند (پیگولوسکایا ۱۳۸۷). خصوصاً در بخشی از آن کتاب که مربوط به شهرهای ساسانی می‌شود، پیگولوسکایا توانست از حیطة تئوری پا فراتر گذارد و مصادیقی برای آرای خویش برشمرد. او توصیف جامعی از مؤلفه‌ها و ویژگی‌های شهرهای ساسانی ارائه داد، ولی کمبود یافته‌های

باستان‌شناختی اثر او را در سطح بیان گزاره‌های تاریخی محدود کرد. اگرچه، هم‌چنان اطلاعات ناچیزی از شواهد مادی شهرهای ساسانی در دست است، امید می‌رود با تکیه بر کاوش‌های اخیر در محوطه‌های ساسانی و نگاهی همه‌جانبه به دیگر مواد فرهنگی از جمله سکه، گل مهر، اسناد مکتوب، و تتبعات تاریخی جدید گامی به پیش در شناخت شهرهای ساسانی برداشته شود. در نتیجه، امید است در تهیه کتابی با موضوع شهرهای ساسانی موضوعاتی فراتر از شکل ظاهری شهرها (دایره‌ای، مستطیلی، یا نامنظم) بررسی شود و مقوله شهر با نگاهی عمیق به جریان متلاطم و متغیر تاریخ دوره ساسانی و اوضاع و احوال محیطی صورت پذیرد.

## کتاب‌نامه

- ابن بلخی (۱۳۷۴)، *فارس‌نامه*، توضیح و تحشیه منصور رستگار فسائی، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.
- اسدی، احمدعلی (۱۳۸۴)، «بنای موسوم به دروازه شهر استخر: معرفی و تحلیل کارکرد»، در: *مجموعه مقالات سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران*، به کوشش باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، ج ۲، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
- برونر، کریستوفر جوزف (۱۳۸۷)، «تقسیمات جغرافیایی و اداری: ماندگاه‌ها و اقتصاد»، در: *تاریخ ایران کمبریج؛ از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان*، گردآوری احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، ج ۳، قسمت دوم، تهران: امیرکبیر.
- پیگولوسکیا، نینا ویکتورونا (۱۳۸۷)، *شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان*، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ثعالبی مرغنی، حسین‌بن محمد (۱۳۶۸)، *تاریخ ثعالبی؛ مشهور به غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم*، پاره نخست ایران باستان، ترجمه محمد فضائلی، تهران: نشر نقره.
- چابلد، ورگوردن (۲۵۳۷)، *انسان خود را می‌سازد*، ترجمه احمد کریمی حکاک و محمد هل اتائی، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- حاکم نیشابوری، محمدبن عبدالله (۱۳۷۵)، *تاریخ نیشابور*، ترجمه محمدحسین خلیفه نیشابوری، مقدمه، تصحیح، و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: آگه.
- حمزه اصفهانی، حمزه بنی حسن (بی‌تا)، *تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء علیهم الصلاه و السلام*، بیروت: منشورات دار مکتبه الحیاة.
- سیدی، مهدی (۱۳۸۶)، *جغرافیای تاریخی مرو*، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۶۲)، *تاریخ طبری یا «تاریخ الرسل و الملوک»*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۲، تهران: اساطیر.

بررسی و نقد کتاب شهرهای ساسانی از منظر تاریخ و باستان‌شناسی ۱۶۱

لوکونین، ولادیمیر گریگوریویچ (۱۳۸۷)، «نهادهای سیاسی، اجتماعی و اداری، مالیات‌ها و داد و ستد»، در: *تاریخ ایران کمبریج: از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان*، گردآوری احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، ج ۳، قسمت دوم، تهران: امیرکبیر.

مجم‌التواریخ و القصص (۱۳۷۹)، نسخه عکسی مورخ ۷۵۱ کتاب‌خانه دولتی برلین، نسخه‌برگردانان: ایرج افشار و محمود امیدسالار، تهران: طایه.

مهرآفرین، رضا (۱۳۹۳)، *شهرهای ساسانی*، تهران: سمت.

مهریار، محمد (۱۳۷۹)، مقدمه بر: *بیشاپور*، رومن گیرشمن، ترجمه اصغر کریمی، ج ۱، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

نوروززاده چگینی، ناصر (۱۳۸۵)، «زنده‌یاد استاد محمد مهریار، تأملی در ادامه پژوهش‌های باستان‌شناسی در بیشاپور»، در: *مجموعه مقالات سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران*، ج ۳، به کوشش باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

ونکه، رابرت جی. (۱۳۸۱)، «غرب ایران در دوره پارت — ساسانی: تغییر شاهنشاهی»، در: *باستان‌شناسی غرب ایران*، ویراسته فرانک هول، ترجمه زهرا باستی، تهران: سمت.

هدایت، صادق (۱۳۴۲)، *زند و هومن‌یسن و کارنامه اردشیر پاپکان*، تهران: امیرکبیر.

- Adams, Robert McC. (1965), *Land behind Baghdad: A History of Settlement on the Diyala Plains*, Chicago: University of Chicago Press.
- Adams, Robert McC. (1981), *Heartland of Cities: Surveys of Ancient Settlement and Land Use on the Central Floodplain of the Euphrates*, Chicago: University of Chicago Press.
- Adams, Robert McC. and Donald P. Hansen (1968), "Archaeological Reconnaissance and Soundings in Jundī Shāhpūr", *Ars Orientalis*, vol. 7.
- Bier, L. (1983), "A Sculpted Building Block from Istakhr", *Archäologische Mitteilungen aus Iran*, vol. 16.
- Cavallero, M. (1966), "The Excavations at Choche (presumed Ctesiphon) Area 2", *Mesopotamia*, 1.
- Cavallero, M. (1967), "The Excavations at Choche Area 2", *Mesopotamia*, 2.
- Fontana, M. V. S. M. Mireskandari et al. (2012), "Estakhr Project – First Preliminary Report of the Joint Mission of the Iranian Center for Archeological Research, *The Parsa-Pasargadae Research Foundation*, vol XVI.
- Gullini, G. and A. Invernizzi (1966), "First Preliminary Report of Excavations at Seleucia and Ctesiphon. Season 1964", *Mesopotamia* 1.
- Gullini, G. and A. Invernizzi (1967), "Second Preliminary Report of Excavations at Seleucia and Ctesiphon. Season 1965", *Mesopotamia* 2.
- Gullini, G. and A. Invernizzi (1968–69), "Third Preliminary Report of Excavations at Seleucia and Ctesiphon. Season 1966", *Mesopotamia* 3–4.

- Gullini, G. and A. Invernizzi (1970– 71), “Fifth Preliminary Report of Excavations at Seleucia and Ctesiphon. Season 1969”, *Mesopotamia* 5– 6.
- Gullini, G. and A. Invernizzi (1973– 74), “Sixth Preliminary Report of Excavations at Seleucia and Ctesiphon. Seasons 1972/74”, *Mesopotamia* 8– 9.
- Gullini, G. and A. Invernizzi (1977), “Seventh Preliminary Report of Excavations at Seleucia and Ctesiphon. Seasons 1975/76”, *Mesopotamia* 12.
- Herrmann, G. K. Kurbansakhatov and St. J. Simpson et al. (1998), “The International Merv Project: Preliminary Report on the Seventh Season”, *Iran*, vol. 37.
- Huff, D. (2008), “Formation and Ideology of the Sasanian State in the Context of Archaeological Evidence”, in: *The Sasanian Era*, V. Sarkhosh Curtis and S. Stewart (eds.), London: IB Tauris.
- Kennedy, H. (2006), “From Shahrīstan to Medina”, *Studia Islamica*, vol. 102/ 103.
- Labbaḡ, R. A. and M. Kervran (2007), *Nishapur: Seasons 2004-2007*, ICHTO-CNRS-Musee du Luvre, unpublished.
- Morony, M. G. (1982), “Continuity and Change in the Administrative Geography of Late Sasanian and Early Islamic al-'Irāq”, *Iran*, vol 20.
- Schmidt, E. F. (1939), *The Treasury of Persepolis and Other Discoveries in the Homeland of the Achaemenians*, Chicago and Illinois: Chicago University Press.
- Whitcomb, D. (1979), “The city of Istakhr and the Marvdasht Plain”, in: *Akten des VII. Internationalen Kongresses für Iranische Kunst und Archaologie*, München 7 - 10, Berlin.
- Whitcomb, D. S. (1985), *Before the Roses and Nightingales: Excavations at Qasri Abu Nasr, Old Shiraz*, New York: The Metropolitan Museum of Art.
- Whitehouse, D. S. (1972), “Excavations at Sīrāf: Fifth Interim Report”, *Iran*, vol 10.